

طالتعانی



و

فلسطين



علی فیاض

من اصبح لایهتتم بامورالمسلمین فلیس منهم ، و من سمع رجلا " ینادی
یاالمسلمین فلم یجبه ، فلیس بمسلم .

اصول کافی جلد سوم صفحه ۲۳۹

" هر که صبح کند و به امور مسلمین همت نگمارد ، از آنها نیست . و هر که
بشنود مردی فریادمی زند " مسلمان ها بدادم برسید " و جوابش نگوید ،
مسلمان نیست " .

حضرت محمد (ص) پیامبر اسلام



« پدر طالقانی » در دیداری استثنائی با
ابو عمار (یاسر عرفات)

فهرست مطالب

صفحه	عنوان
۵	مقدمه
۱۱	مبارزات طالقانی علیه امپریالیسم و صهیونیسم
۱۵	فلسطینی‌ها با زور از سرزمینشان رانده شده‌اند
۱۶	صهیونیسم علیه یهود
۱۹	دشمن مشترک ما استعمار و صهیونیسم است
۲۲	به هر فرد و هر گروه مظلوم از هر مذهب و مسلک کمک خواهیم کرد
۲۳	امروز فلسطین راس اسلام است
۲۶	فشرده‌ای از سخنان حضرت آیت‌اله طالقانی راجع به فلسطین
۲۸	بیت المقدس و سرزمین فلسطین در قرآن
۳۰	فلسطینیان آواره
۳۱	فلسطینیان انقلابگر
۳۱	وعده دیگر قرآن خطاب به بنی اسرائیل
۳۲	همه مردم آزادده دنیا به حقانیت مردم فلسطین آگاهند
۳۳	سادات دربند امپریالیسم و صهیونیسم
۳۴	سی سال از مبارزه الفتح و مردم فلسطین می‌گذرد
۳۵	پیام تسلیت آیت‌اله طالقانی به برادر یاسر عرفات
۳۸	فلسطین و طالقانی

مقدمه

بسم الله الرحمن الرحيم

حدود یکماه از هجوم ددمنشانه و وحشیانه صهیونیستهای غاصب به جنوب لبنان می‌گذرد و در این مدت عده زیادی از مردم غیرنظامی قربانی عملیات ضدانسانی رژیم اشغالگر فلسطین شده‌اند.

سران مرتجع و ضد مردمی اسرائیل، هدف خود را از حمله به جنوب لبنان نابودی مقاومت فلسطین اعلام کرده‌اند. زیرا آنان به خیال خام خود قصد فرونشاندن نور و پرتوهای خداوندی را دارند، اما غافل هستند از آن که نور خداوندی خاموش ناشدنی است:

یریدون ان یطفؤا نورالله بافواهم ویابی الله الا ان یتمنوره و لوکره الکافرون (۱).

و برآستی که آنان بادهانهای خود نه تنها آن شعله‌های مقدس را خاموش نخواهند ساخت، بلکه آتش آن را بیشتر خواهند افروخت و اینک خداوند است که این شعله‌های مقدس را فروزان‌تر خواهد کرد، هر چند که کافران را خوش نباشد.

آری هدف تمامی اشغالگران، استعمارگران و فاشیستها، نابود کردن مقاومت‌های حق‌طلبانه و آزادیبخش در سطح جهانی می‌باشد. اما آنان آنچنان که بارها تجربه شده است، خواهند دید که یک انقلاب اصیل و راستین و مردمی هرگز از بین نخواهد رفت. آنچنان که انقلاب فلسطین و

سازمان آزادیبخش فلسطین در قلب ۴/۵ میلیون عرب فلسطینی جای دارد. و این چنین است که حتی اگر در این مقطع از تاریخ، مقاومت فلسطین موقتا " شکست هم بخورد، ولی هرگز نابود نخواهد شد. چرا که امروز، در قلب هر فلسطینی در هر گوشه‌ای از جهان بذر امید و انقلاب ریخته شده است و به تنها چیزی که می‌اندیشد، بازگشت به سرزمین مقدس و تاریخی "فلسطین" است.

سرزمینی که فقط به صاحبان اصلی آن یعنی فلسطینی‌ها تعلق دارد، اعم از مسلمان، مسیحی و یهودی. هیچ یهودی ایرانی‌ای و یا یهودی فرانسوی‌ای و یا از هر نقطه دیگر جهان حق ندارد، خود را مالک و صاحب فلسطین اشغال شده بداند، ولی یهودی فلسطینی این حق را دارد. یهودی عرب فلسطینی، نه یهودیان دعوت شده و اعضای سازمان یا حزب صهیونیسم بنام دولت اسرائیل، آنچنان که سرزمین ایران به برادر یهودی ایرانی نیز تعلق دارد و همینطور به برادر مسیحی ارمنی ایرانی، فلسطین نیز به ساکنان اصلی آن اعم از هر مذهبی و مسلکی تعلق دارد.

سران صهیونیسم باید این واقعیت را بپذیرند که فلسطین فقط مال فلسطینیان است و این آتش مقدسی که برای آزادی فلسطین می‌درخشد خاموش ناشدنی.

همه مردم جهان باید بدانند که سازمان آزادیبخش فلسطین دشمن یهودیان نیست، بلکه دشمن عوامل سرسپرده امپریالیسم و اشغالگران فلسطین یعنی صهیونیسم می‌باشد. و این را ابوعمار (برادر یاسر عرفات) رئیس کمیته اجرایی سازمان آزادیبخش فلسطین در پیامی بمناسبت پانزدهمین سال آغاز انقلاب فلسطین گفت که:

" ما تاءکید می‌کنیم که ضدیهود نیستیم، بلکه ضدصهیونیسم به عنوان نوزاد نامشروع امپریالیسم هستیم. ما علیه صهیونیسم و دار و دسته‌ی نظامی حاکم بر اسرائیل پیکار می‌کنیم. آنها حتی ملت یهود را به غارت گرفته‌اند و به مثابه لقمه‌ای برای امپریالیسم بازیچه دست خود قرار

داده‌اند. اسرائیل سگ زنجیری و ژاندارم آمریکا در منطقه است، او می‌خواهد ملت یهود را در این راه فدا کند. صلحی که ما طرفدار آنیم، صلحی است که ملت یهود را به عنوان شهروندان فلسطینی بدون هیچ تبعیضی می‌پذیرد و روابطی عادلانه و برادرانه بین مسلمین و مسیحیان و یهود در سرزمینی فلسطینی، سرزمین صلح. من به مردم یهود می‌گویم که روءایاهای صهیونیستی جز ویرانی، خونریزی و کابوس که حکام اسرائیل با جنون نژادپرستانه‌شان بوجود آورده‌اند، برای آنها چیز دیگری ندارد." (۱)

این چنین است مواضع انقلابی، راستین و مردمی که با روح اسلام راستین نیز سازگار است.

انقلاب فلسطین انقلابی است که، صادق‌ترین و پاک‌ترین انسانهای موجود در این عصر از آن حمایت کرده‌اند، حمایتی بدون "فریب و نیرنگ و بدون حقه‌های سیاسی". و به همین دلایل است که این انقلاب در قلب پاک‌ترین و بی‌ریاست‌ترین توده‌های جهان جای دارد و در نتیجه نابودناشدنی. انقلاب فلسطین، انقلابی است که اسلام‌شناسان بزرگ و آزاد مردانی چون شریعتی‌ها، طالقانی‌ها و... از آن حمایت کرده‌اند، حمایتی همه جانبه، حمایتی که حمایت توده‌های ایران را بدنبال داشت.

انقلاب فلسطین باید بوجود می‌آمد، انقلاب فلسطین باید به یاری خداوند و خلقهای آزاده جهان، اشغالگران بدتر از نازیستها را از بین برد و از فلسطین بیرون بریزد، تا وطن فلسطینی آزاد گردد و دوباره طعم صلح را بچشد. فلسطینی که تنها بیت المقدس نیست، بلکه فلسطینی که شامل تل‌آویو، نابلس، حیفا، دیر یاسین، یافا، بیت المقدس و سایر شهرها و بنادر فلسطینی است. این! فلسطین است که باید آزاد گردد، یعنی تمامی سرزمین‌های وطن فلسطینی. برای ما حمایت از فلسطین فقط به

دلیل مسلمان بودن آنان نیست، چرا که هر مردمی که اسیر ظلم هستند، از دیدگاه اصیل اسلامی باید مورد حمایت قرار گیرند. زیرا که نخستین امام شیعه گفت:

"مردم بر دو دسته هستند، یا برادر دینیت به شمار میروند، و یا اینکه در آفرینش همانند تو هستند." (۱)

و کمک به ممنوع به انسانی که مورد ظلم و تجاوز دیگری واقع شده امری واجب و لازم می باشد. و معلم کبیر قرآن گفت:

"در واقع هر انقلاب علیه ظلم، علیه استبداد، علیه استثمار، در هر جای دنیا که باشد از نظر ما یک انقلاب اسلامی است، چرا که روح اسلام و تعالیم اسلام در جهت رفع ظلم از همهٔ ابنای بشر، همهٔ انسانها، مظلومین و مستضعفین است." (۲)

و اینک معلم قرآن، طالقانی از فلسطین می گوید، مفسر قرآن، مجاهد همیشه دربند و اسلام شناس دیگر ما. دفتر نخست این مجموعه، "شریعتی و فلسطین" نام داشت و اینک دومین دفتر "طالقانی و فلسطین" و ضرورت این کار هم کاملاً مشخص است، خلق فلسطین همانگونه که به کمکهای اقتصادی، انسانی و نظامی نیازمند می باشد، به کمکهای فرهنگی - سیاسی هم بی نیاز نیست. و ضرورت شناخت مواضع پیشگامان انقلاب و مبارزان ضد امپریالیسم و ضد صهیونیسم و تاکتیکهای صحیح آنان امری لازم و واجب است.

*

*

(۱) نهج البلاغه، ترجمهٔ محسن فارسی، صفحه ۴۱۳

(۲) از آزادی تا شهادت، صفحه ۲۶۳

پدر طالقانی و یاسر عرفات



طالقانی حامی بزرگ دیگری برای فلسطین:

طالقانی که نیمی از عمر خود را در زندانها، شکنجه‌گاهها و تبعید-گاهها گذراند و همچون معلم شهیدشریعتی از پیشگامان مبارزهء ضد امپریالیستی و ضدصهیونیستی بود. آیت‌الله طالقانی نیز زمانی از فلسطین دفاع کرد و علیه صهیونیسم و حامی آن امپریالیسم آمریکا، وارد مبارزه شد که بجز عده‌ای معدود، کسی دیگر را یارای بدوش کشیدن درفشی اینچنین خونین نبود. و هم او به ما چگونه مقاومت کردن را آموخت، چرا که معلم مقاومت و قاطعیت بود.

او چه قبل از انقلاب اسلامی مردم ایران و چه بعد از آن همواره و به هر شکلی فریاد آزادیخواهی و حق‌طلبی فلسطینی‌ها را به گوش مردم ایران رساند. از هر مصاحبه‌ای، از هر اعلامیه‌ای و از هر خطبهء نمازجمعه‌ای از فلسطین گفت و از فلسطین حمایت کرد.

در ایران، پس از انقلاب با رهبران سازمان آزادیبخش فلسطین ملاقات نمود و صمیمانه قول هرگونه کمک و حمایت از مقاومت فلسطینی را به آنان داد. او ایران را وطن فلسطینیان می‌دانست و به همین دلیل وقتی که برادران فلسطینی (از جمله ابوعمار) را در ایران ملاقات نمود به آنان گفت: "شما برادران امروز در خانه خودتان هستید."

طالقانی در سال‌های سیاه و خفقان و خاموشی و سرد ایران زمین، با مشعلی در دست به "قاهره" (زمان ناصر) رفت، به بیت‌المقدس و مکه و کراچی رفت و در کنفرانس‌های حمایت‌کننده از مسلمانان و اعراب آواره شرکت نمود تا به نمایندگی از طرف مردم ایران، حمایت خود و هم‌وطنانش را از فلسطینیان اعلام کند، حمایتی از صمیم قلب و بدون رنگ و ریای سیاسی و مصلحت‌طلبی.

همراه با فرارسیدن شهریورماه ۱۹۶۷ شهریور را با یاد او گرامی داشته و از دست‌آوردهای غنی‌اش استفاده کنیم.

یادش و راهش همیشه جاوید باد.

مبارزات طالقانی علیه امپریالیسم و صهیونیسم.

حضرت آیت‌اله طالقانی مبارزات خود را چه با استبداد داخلی و چه استعمار خارجی و صهیونیسم سال‌ها پیش از این آغاز نمود. سال‌ها قبل از کودتای ۲۸ مرداد، وی همانطور که در زمان دولت مرحوم مصدق عنصری فعال، مبارز و آگاه و همیشه در صحنه بود، در سال ۴۱-۴۲ نیز که نقطهٔ اوج دیگری در انقلاب مردم ایران بود، شدیداً علیه استعمار و صهیونیسم دست به مقاومت زد.

از جمله وی در همان سال‌های اوج خفقان، سخنرانی معروف خود تحت عنوان "جهاد و شهادت" را انجام داد و در آن سخنرانی شدیداً به همکاری و همیاری رژیم آریامهری با استعمار و صهیونیسم، حمله نمود و هیئت حاکمه آن زمان را به باد انتقاد گرفت. وی با توجه به کمک‌های مالی سردمداران رژیم، به اشغالگران فلسطین گفت:

"کی‌ها اموال مسلمانان را می‌دزدند و به صهیونیسم‌ها و اسرائیلی‌های بین‌المللی کمک می‌نمایند". (۱)

سپس به تشریح ماهیت صهیونیسم برای مردم پرداخت و گفت:

"آقا امروز صهیونیسم پوست دوم استعمار است، استعمار به صورت اولی شکست خورد، و به پوست صهیونیسم درآمد، صهیونیسم به پوست اسرائیل درآمد". (۲)

پس از آن با اشاره به شرکت خود در کنفرانس اسلامی، از دولت وقت توضیح خواست که چرا خبر چنین مجتمعی را به گوش مسلمانان ایران نمی‌رساند تا با سرنوشت مردم فلسطین آشنائی بیابند. وی با توجه به همکاری‌های نزدیک اقتصادی و از جمله کشاورزی رژیم ایران با اسرائیل،



آيت الله العظمى الثاني در بيت المقدس

وزیر کشاورزی را مورد مؤاخذه قرار داد و سپس به دانشمندان و اندیشمندان در باره خطر صهیونیسم و همکاری رژیم با آن هشدار داد :

" آیا این شد مملکت اسلامی ؟ اینها اسلام پناهند ؟ ما در مؤتمر اسلامی سرمان بزیر بود ، نمی توانستیم سر بلند بکنیم وقتی که صورت روابط را به ما نشان دادند . آقای وزیر کشاورزی ، مگر مستشار مسلمان در این مملکت نیست ؟ مهندس نداریم ؟ اگر نداریم از سوئیس بیار ، نداریم از هند بیار ، نداریم از آلمان بیار . حتما " باید مستشار تقسیم املاک یک فرد یهودی صهیونیسم باشد ؟

هرکس به هر جایی مسافرت می کند ، می رود و می آید در روزنامه این همه هیاهو ، هیاهو برای این مسافرت ها است . یک کلمه ننوشتند این مؤتمرا سلامی قدس چه گفتند و کی ها بودند و چه گفتگوها کردند ؟ این دست کیست ؟ جز عمال اسرائیل ؟

من امشب به شما برادرهای مسلمان ، به شما علماء ، به شما بزرگان ، این خطر را اعلام میکنم ، خودتان می دانید و وظیفهتان ، یا اینها را دولت تکذیب کند و بگوید این حرف ها دروغ است ، تبلیغات است . ما در مقابل مسلمان های دنیا سرافکنده هستیم . " (۱)

در آن زمان که خیلی کم بودند کسانی که به مسئله ی پیدایش صهیونیسم و اشغال فلسطین اهمیت بدهند ، طالقانی شدیداً " اعتراض خود را نسبت به چنین پدیده ای اعلام داشت و در همان سال ها اعلامیه ای را با نام مستعار " جمعیت های مجاهدین راه خدا و آزادی " نوشته و منتشر ساخت که بعدها زمانی که دستگیر شد ، یکی از مدارک جرم وی تلقی گردید . وی در این اعلامیه نیز شدیداً " به اسرائیل ، استعمار و حامیان آنها مخصوصاً " دولت آریامهری ایران حمله نمود و رابطه دولت ایران با دولت صهیونیستی را رابطه ای عاشقانه توصیف کرد و به افشای اشغال

پست‌های مملکتی توسط صهیونیست‌ها پرداخت .

" تصرف اسرائیل پس از منشور بالفور و نقشهء شوم نوین تشکیل دولت اسرائیل برای نفوذ در داخل کشورهای اسلامی ، یعنی دستگاه صهیونیست - فراماسون ، جاسوس بین‌المللی، همه کشورهای اسلامی و کشور- های آزادیخواه دنیا که متوجه این نقشهء شوم بودند برای پرده برداشتن از این نقشهء ننگین استعماری خود را در صف مقابل کشیدند . بجز چند کشوری که حکومت‌های آن برای نگهداری هوسهای ظالمانه و تحمیلی خود در پیمان‌ها و بندوبست‌های استعماری وارد شدند . ولی از همه خوش‌رقص‌تر در این بازی نوین استعماری هیئت حاکمهء ایران است . "

" با کمال تأسف می‌توان گفت رابطه هیئت حاکمه ایران با اسرائیل روابط عاشقانه است و ایران اکنون ، چنانکه پایگاه دول استعماری متجاوز به وسیلهء کنسرسیوم و ستون پنجم آمریکا و انگلیس و فرانسه و پایگاه جاسوسی اسرائیل گشته و مهمترین رشته‌های اقتصادی و سیاسی مملکت به وسیلهء شرکت و عمال اسرائیل در پست وزارت‌خانه‌ها و نظامیان و سازمان‌های انتظامی بنام مذهب (بهائیون) گشته " (۱)

البته لازم به یادآوری است که مخالفت طالقانی با بهائیون با شکلی که "انجمن مخالفت با بهائیون" داشت ، کاملاً متفاوت است . زیرا مخالفت طالقانی صرفاً " به دلیل همکاری و روابط سردمداران آنان با صهیونیسم می‌باشد و نه چیز دیگری .

حضرت آیت‌اله طالقانی از همان زمانها به مخالفت با استعمار و صهیونیسم تا زمان حیات خود ادامه داد و سال‌ها زندان و شکنجه را تحمل نمود ، ولی حاضر نشد ، قدمی از موضع خود به عقب بردارد . وی اسرائیل و صهیونیسم را پدیده‌ای ضدانسانی می‌دانست و در نتیجه همهء کوشش خود را برای آشنائی مردم ایران با سرنوشت فلسطین به کار می‌برد .

وی خود پس از انقلاب اسلامی ایران، در این زمینه چنین می‌گوید:

"و اما مسئله روابط، ما از همان لحظات که وضعیت فلسطین بوجود آمد، پشتیبانی خود را اعلام داشتیم. درست در همان جهت که رژیم مدافع اسرائیل بود ما مدافع فلسطین بودیم و این بخشی از پرونده‌های من است و این حمایت تا لحظه پیروزی ادامه خواهد داشت."

"صدای مظلومیت آنها را من خودم و فرزندان ما در ایران و خارج ایران همه‌جا منعکس می‌کردند. حضور من در کنفرانس‌های اسلامی کراچی، بیت‌المقدس، مکه و قاهره در زمان عبدالناصر، اصلاً برای دفاع از حق فلسطینی‌ها بوده." (۱)

فلسطینی‌ها با زور از سرزمینشان رانده شده‌اند.

از سال ۱۹۴۸ تاکنون صهیونیسم، با همکاری و توسط دول استعماری از قبیل آمریکا و انگلیس (مخصوصاً انگلیس در اوایل پیدایش صهیونیسم) سیل یهودیان را به سوی سرزمین عربی فلسطین دعوت نمود. در نتیجه این درخواست و معرفی نمودن سرزمین فلسطین به عنوان ارض موعود بنی اسرائیل، پیروان مذهب یهود از اقصی نقاط جهان به سوی فلسطین رهسپار شدند. یهودیان از هر جایی که مهاجرت می‌نمودند، توسط کشتی‌های انگلیسی به سرزمین‌های فلسطین برده می‌شدند و همین دولت ضدبشری انگلیس بود که در اصل مقدمات این مهاجرت را فراهم می‌نمود.

پس از آن که تعداد مهاجرین یهود از مرز یک میلیون نفر تجاوز کرد و صهیونیستها توانستند میخ خود را در سرزمین فلسطینی محکم بکوبند،

(۱) از آزادی تا شهادت (مجموعه کامل اعلامیه‌ها، پیامها، مصاحبه‌ها،

اخراج مردم فلسطین از سرزمین خود آغاز شد و صهیونیستها که تشکیل دولتی بنام دولت اسرائیل را در سرزمین و کشور فلسطین اعلام نمودند ، با زور به غصب کردن زمینهای حاصلخیز دهقانان فلسطینی پرداخته و آنان را بازور سرنیزه از سرزمین خود بیرون راندند و همچون تمامی دزدان وغارتگران و غاصبان به اعمال ننگین خود در سرزمین فلسطینی ادامه دادند . آیتاله طالقانی که بر حقانیت مردم مبارز و مقاوم فلسطین آگاه است در این مورد صریحا " عقیده دارد که :

"فلسطینیها ، مردمانی هستند که بازور از خانه‌هایشان رانده شدند که این برخلاف تمام موازین حقوقی و انسانی است . و اینها یک حرف بیشتر ندارند و آن اینکه ما از خانه‌هایمان رانده شدیم و خانه‌مان را می‌خواهیم . این مظهر مظلومیت فلسطین ، و ظلم و استعمار بطور کامل متبلور شده در داستان فلسطین . " (۱)

آری همهء مردم آزادهء جهان باید بدانند که تراژدی فلسطین ، یک حقیقت دردآور و عینی می‌باشد و درسایهء آشنایی با سرنوشت فلسطین و جنایات صهیونیسم است که می‌توان و باید از فلسطینیان حمایت نمود . و وقتی که با چهرهء فلسطین آشنا شدند ، آنگاه است که به قساوت هر چه بیشتر استعمار و صهیونیسم آگاه خواهند شد و چهرهء ظالم کامل استعمار و صهیونیسم و مظلومیت مردمی را هم بطور کامل مشاهده خواهند کرد . باید به مردم جهان سرنوشت غم‌انگیز و دردآور فلسطین را شناساند تا از این ملت آواره حمایت کنند تا آنها دوباره به خانه‌هایشان بازگردند .

صهیونیسم علیه یهود .

چنانکه در مقدمه این کتاب یادآوری نمودیم ، و همچنین در دفتر

نخست این مجموعه نیز مطرح شد، مسئله ی یهود، امری جدای از پدیده ی صهیونیسم می باشد، هر چند که دولت صهیونیستی و غصبی حاکم بر "فلسطین اشغالی" خود را نماینده ی یهودیان جهان و مذهب موسی اعلام کند. که البته دیگر برای همهء مردم آزادهء جهان مشخص و معلوم است که این تبلیغات بجز ترفندهایی برای فریفتن پیروان مذهب موسی از اقصی نقاط جهان و جذب آنها به سوی سرزمین فلسطینی چیز دیگری نمی باشد.

براساس این واقعیت غیرقابل انکار است که اکثر روشنفکران اسلامی و علمای متعهد، مسئله ی یهود و سرنوشت این قوم را از مسئله ی صهیونیسم جدا کرده و از یهودی های آزادی خواه و روشنفکر جهان توقع دارند که از پدیدهء فاشیستی - صهیونیستی و نژادپرستانهء حاکم بر "فلسطین اشغالی" دوری نموده و این واقعیت استعماری را محکوم نمایند. آیت اله طالقانی که همواره از مبارزات حق طلبانه مردم فلسطین حمایت کرده و پشتیبانی بی دریغ می نمود، با این حال، هیچگاه از مسیر عدل و حق خارج نشده و جنایات صهیونیسم را به ملت یهود و پیروان موسی ربط نداده و لذا از پیروان این مذهب صمیمانه درخواست محکوم کردن صهیونیسم را می نماید:

"یهودیان و کلیمیان متدین و مقدس هم باید از این وضع صهیونیست ها و روش آنها متاثر باشند، برای اینکه در این دنیای تزلزل فکری، اعتقادی و دنیای شک و تردید، اینها می خواهند چهرهء انبیاء را بنمایانند، یعنی این صهیونیستها، خودشان را وارث انبیاء می دانند، ابراهیم خلیل بت شکن و منادی توحید و انبیاء بنی اسرائیل که برای آزادی بشر قیام کردند. اینها چهرهء انبیاء را هم خراب می کنند. ای برادران کلیمی، ای کلیمی های باایمان، این خطر صهیونیسم، متوجه عالم اسلام و مسیحیت نیست، متوجه شماست" (۱)

چنانکه مشاهده می شود، از دیدگاه ایشان (طالقانی) مسئله

صهیونیسم به عنوان پدیده‌ای که ادعای مذهبی بودن !! هم می‌نماید و این جنایات ضدانسانی را مرتکب می‌شود، باید محکوم شود. و جای تذکر است که منظور ایشان از اینکه: "خطر صهیونیسم متوجه عالم اسلام و مسیحیت نیست، متوجه شماست"، این است که:

صهیونیسم به عنوان یک جریان فکری در مقابل اسلام ناتوان و زبون می‌باشد و به هیچ روی از لحاظ فکری قدرت مقابله با اسلام را ندارد، بلکه در مقابل مسیحیت نیز هیچگونه پیشبردی ندارد و بر اساس عملیات ضد انسانی زیر نام "پیروان موسی" و "دین یهود" و "ارض موعود" موجبات تضعیف هرچه بیشتر مذهب یهود و یهودیان را فراهم می‌نماید. و مسلماً در قبال جنایات صهیونیسم تحت نام مذهب یهود، انزجار عمومی و نفرت مردم آزاده جهان متوجه یهود شده و در نتیجه خطر صهیونیسم بیشتر متوجه خود ملت یهود خواهد بود.

حضرت آیت‌اله طالقانی سپس درجای دیگری ضمن این که از مسلمانان می‌خواهد که تاریخ صهیونیسم را مطالعه کنند، از پیروان مذهب یهود تقاضا می‌کند، که از برسمیت شناختن صهیونیسم خودداری ورزیده و بیشتر از این چهره پیروان این مذهب را که در دوره هیتلر مظلوم واقع شده بودند، مخدوش نمایند:

"ظهور صهیونیسم، کی اینها را آوردند، و چه‌ها کردند و آن چهره مظلومیتی که یهودی‌ها در جنگ اخیر بدست نازی به خود گرفته بودند و تغییر کرد.

الان مردم دنیا این چهره مظلومیت را در این یهودی‌ها نمی‌بینند. یهودی‌های موحد و مؤمن آزادمنش دنیا باید چهره توحید و دعوت انبیاء را به دنیا نشان بدهند و از صهیونیسم خونخوار و عوامل آنها خودشان را تبرئه کنند. (۱)

چنانکه مشخص است، امروز دیگر تقریباً "یهود و صهیونیسم مترادف هم تلقی می‌شوند و براساس جنایات صهیونیسم، ملت یهود، چهرهٔ مظلومیت خود را از دست داده و به جای آن چهره‌ای ظالمانه به خود گرفته است. در صورتی که مسئله ی یهود، و صهیونیسم دوپدیدهٔ جدای ازهم می‌باشند. و برهمین مناسبت که طالقانی از یهودیان آزاداندیش جهان که هنوز قربانی تبلیغات و عوام‌فریبی‌های صهیونیسم نشده‌اند، درخواست می‌نماید که از صهیونیسم تبرئه خود را اعلام نموده و با نشان دادن هدف واقعی حضرت موسی (ع) صهیونیسم را درجهان رسوا نمایند. و پیروان اصیل مذهب موسی باید امروزه نیز به تبعیت از حضرت موسی (ع) این "اناریکم الاعلی" ی جدید را نیز سرنگون کرده و به عنوان یک دولت و حکومت مذهبی - یهودی مردود اعلام نموده و از حق صاحبان اصلی فلسطین دفاع نمایند.

دشمن مشترك ما استعمار و صهیونیسم است.

چنانکه می‌دانیم، دشمنان مردم فلسطین، تنها دشمنان فلسطینی‌ها نیستند، بلکه اساساً "امپریالیسم و صهیونیسم دشمن واحد تمامی خلق‌های محروم جهان می‌باشند. و همکاریها و روابط مشترک امپریالیسم، صهیونیسم و آپارتاید (تبعیض نژادی) حاکم بر آفریقای جنوبی، خود نشان‌دهندهٔ عینی بودن این‌گونه مسائل می‌باشد که، "دشمنان ملل محروم (همانطور که ملت‌های انقلابی به همکاری و روابط فی‌مابین محتاج و نیازمند می‌باشند) احتیاج به همکاری و روابط نزدیک با یکدیگر دارند. و بر مبنای چنین روابط زنجیره‌ای می‌باشد که در نتیجه همه جهان‌خواران چهره‌ای واحد پیدا کرده و دست بدست هم داده و برای ملل محروم و استعمارشدهٔ جهان، دشمنی واحد می‌گردند، و به چپاول، غارت و سرکوبی ملت‌های محروم جهان مشغول می‌شوند. حضرت آیت‌اله طالقانی در این رابطه نیز معتقد است که:

"دشمن فلسطینی‌ها، فقط دشمن فلسطین نیست و نبوده، بلکه دشمن همهء عالم اسلام است. پیروزی فلسطینی‌ها، پیروزی ما است و خدای ناخواسته شکست آنها شکست ما". (۱) و این امر که "دشمن فلسطین، فقط دشمن فلسطین نیست"، واقعیتی است انکارناپذیر. چرا که صهیونیسم همانطور که در سرزمین فلسطین به غصب کردن و چپاول نمودن مشغول می‌باشد، در نتیجه همکاری و روابط نزدیک با رژیم آفریقای جنوبی، در آنجا نیز غیرمستقیم مشغول سرکوب و تجاوز و غارت می‌باشد.

آیت‌اله طالقانی، سپس در جای دیگری با اشاره به مشترک بودن دشمن همهء مستضعفان جهان اینچنین می‌گوید:

"سرنوشت ما سرنوشت دنیای اسلام و سرنوشت مستضعفین اسلام است، سرنوشت کسانی که در برابر استعمار و صهیونیست قرار گرفته‌اند و عوامل استعمار، سرنوشت ما به هم پیوسته است و ما نمی‌توانیم از آنها جدا باشیم. آنها هم نمی‌توانند از ما جدا باشند. ما باید به یاری آنها برخیزیم آنها باید به یاری ما و به کمک ما برخیزند، سرنوشت ما با مردم فلسطین جدا نیست، با دیگر مسلمانهای مستضعف تحت فشار عوامل استبداد داخلی و استعمار قهار خارجی هیچ جدا نیست. الان در همه صفوف عالم اسلام همین مسائلی که اینجا مطرح می‌شود، آنجا هم مطرح می‌شود." (۲)

و برآستی که اگر همهء ملت‌های محروم و مستضعف به یاری همدیگر برخیزند و در نتیجه اتحاد ملت‌های انقلابی و محروم جهان، امپریالیسم و صهیونیسم دستشان از تعرض و سر مسلمانان و دیگر ملل محروم جهان، کوتاه گردد، آنگاه است که ملت فلسطین و سایر خلق‌های مبارز، آشتی و صلح و آزادی را خواهند دید و همهء اینها نیازمند به همکاری صمیمانه و

(۱) از آزادی تا شهادت، صفحه ۶۶

(۲) از آزادی تا شهادت، صفحه ۲۵۴

مخلصانه تمامی مردم مستضعف جهان می باشد .

وقتی خبرنگاری از آیت‌اله طالقانی می پرسد : "در مورد مسئله فلسطین نظرتان چیست ؟" پاسخ می دهد :

"ما به هر وسیله که بوده است . صدای مظلومیت اهالی فلسطین را مطرح کرده ایم و مسافرت من و حضور من درمکه ، لبنان و مصر برای اثبات حقانیت آنها بوده است .

پیروزی ما پیروزی آنها و شکست آنها شکست ما است . امیدواریم بیاری خداوند بتوانیم معاضدت ، همگامی و همفکریمان را توسعه دهیم . دشمن مشترک ما استعمار و صهیونیسم است . " (۱)

حضرت آیت‌اله طالقانی که سرنوشت همه ملل محروم را نسبت به هم یکی دانسته و جدای از هم نمی داند ، در دیدار با هیئت کوبائی نیز ضمن تاکید این امر که : "سرنوشت ما ، سرنوشت کوبا ، فلسطین و همه کشورهای اسلامی است " افزودند :

"سرنوشت ما از یکدیگر جدا نیست . ما امیدواریم که کبفرانس غیر – متعهدها در هاوانا بتواند به دنیای آزاد ، دنیای مستضعفین و مظلومین خدمت کند . " (۲)

چنانکه مشاهده می شود ، از دیدگاه ایشان نه تنها سرنوشت کشورهای اسلامی با یکدیگر ، بلکه سرنوشت کشورهای انقلابی و محروم نیز با سرنوشت مسلمانان و مستضعفین جهان ربط پیدا کرده و دارای دشمنی واحد می باشند که با همکاری یکدیگر باید آن را از بین ببرند . سپس در دنباله سخنان خود اینچنین می گویند :

"نگرانی ما مربوط به عقده های چرکینی است که بنام اسرائیل و صهیونیسم و افریقای جنوبی که امپریالیسم در مناطق حساس جهان مستقر

(۱) از آزادی تا شهادت ، صفحه ۴۱۹

(۲ و ۳) از آزادی تا شهادت صفحه ۲۶۴ – ۲۶۳

کرده است. ما امیدواریم که کشورهای غیرمتعهد همه سعی خود را بکار ببندند تا این برج‌های مراقب که منشاء درگیری‌ها و جنگ‌ها هستند از بین ببرند. " (۱)

بنابراین یکی از مسائل موردنظر طالقانی درباره فلسطین و بطور کلی همه ملت‌های مبارز و محروم، مشترک بودن دشمن آنان (که امپریالیسم و صهیونیسم است) می‌باشد. و در سایه وحدت و اتحاد همین ملت‌های انقلابی و مستضعف است که می‌توان این دشمنان چپاولگر و غارتگر را نابود نمود و فلسطین و سایر ملل در بند را آزاد کرد.

به هر فرد و هر گروه مظلوم از هر مذهب و مسلك كمك خواهيم كرد.

اسلام رسالت خود را رهایی و آزادی تمامی محرومان و زحمتکشان جهان می‌داند و در نتیجه مسلمانان باید این خصلت اسلامی خود را حفظ نموده و برای رهایی و آزادی همه ملل محروم و مسلمانان استعمار شده جهان تلاش نمایند. آیت‌اله طالقانی که مفسر و معلم قرآن می‌باشد، بر اساس شناخت قرآنی خود و بر مبنای بینش اصیل اسلامی، عقیده دارد که :

"اگر بتوانیم خودمان را نجات بدهیم، نه تنها از دولت فلسطین، بلکه هر دولت مظلوم دیگری را طبق وظایف اسلامی و انسانی حمایت می‌کنیم. چگونگی دستگیری هم به زمان بستگی دارد. اگر توانستیم از طریق دولت‌ها و اگر نتوانستیم از طریق ملت‌ها، این در احکام اسلام هم وجود دارد. ما به هر فرد و گروه مظلوم از هر مذهب و مسلکی که باشد کمک خواهیم کرد. " (۲)

(۱) از آزادی تا شهادت صفحه ۲۶۴ - ۲۶۳

(۲) از آزادی تا شهادت، صفحه ۸۱

بنابراین هر قیامی اسلامی و هر انقلابی اسلامی، در هر نقطه‌ای از جهان باید دیگر ملل محروم را نیز در نظر داشته و به آنان کمک نماید، بدون در نظر گرفتن مذهب و یا مسلک آنها.

آیت‌اله طالقانی در جای دیگر نیز با ذکر این گفته که "قیام ما برای نجات مستضعفین است"، اینچنین می‌گوید:

"با تمام قوا برای دستگیری هر ملت مظلوم، بخصوص ملت فلسطین و هر مستضعفی در هر کجای دنیا، تا آنقدر که امکان داریم، دست کمک دراز می‌کنیم، چون قیام ما برای نجات مستضعفین است." (۲)

چنانکه مشاهده می‌شود، دستگیری از تمام مستضعفین و محرومین جهان امری اسلامی - انسانی بوده است و همهٔ مسلمانان متعهد باید از انقلابات آزادی‌بخش مردم در هر گوشهٔ جهان حمایت نمایند. و این یکی از اعتقادات و خواسته‌های آیت‌اله طالقانی می‌باشد که همهٔ مردم محروم جهان آزاد و رهای از سلطه‌ی امپریالیسم و صهیونیسم باشند.

امروز فلسطین رأس اسلام است.

اساساً شاید در هیچ نقطه‌ای از جهان، مسئله‌ای پراهمیت‌تر از مسئله‌ی فلسطین وجود نداشته باشد. چرا که هم از لحاظ موقعیت منطقه‌ای و هم از جهت مبارزات حق‌طلبانه فلسطینی‌ها و هم از لحاظ مظلومیت، این نقطه‌ی از جهان بسیار حساس می‌باشد و اصولاً "برای هر انسان آزاده‌ای، رهایی فلسطین از یوغ و جنایات صهیونیسم هدفی مقدس و مهم می‌باشد و البته برای مسلمانان به دلیل اینکه سرزمینی اسلامی می‌باشد، دارای حساسیت بیشتری است، چرا که سرکوب یک ملت مسلمان بدین شکل فجیع، خود مسئله‌ای مهم در جهان اسلام می‌باشد. آیت‌اله طالقانی نیز به این مسئله

که فلسطین بسیار مهم است، جنبه‌ی کاملاً "اسلامی" داده و نظریات خود در این مورد را این چنین بیان می‌دارد:

"دین ما، قرآن ما، می‌خواست در هر جا، هر نقطه‌ای، اگر دردی پیش آید، همه مسلمان‌ها هشیار و بیدار باشند، مثل یک نقطه بدن که همینقدر که به آن آسیب رسید، همه بدن متوجه به آن نقطه می‌شود، پس آن نقطه می‌شود رءس. امروز فلسطین رءس اسلام است. امروز مسلمان‌های بعضی قسمت‌های آفریقا، فلسطین یا ارتیره همه باید از نظر ما و از این بیان پیامبر عظیم ما رءس باشند، یعنی قوای ما، تدبیر ما، نیروی ما متوجه به این نقطه‌های درد باید باشد." (۱)

بنابراین از دیدگاه ایشان، مسئله‌ی فلسطین اصلی‌ترین مسئله درجهان اسلام می‌باشد و بنابراین همه مسلمان‌ها باید برای نجات آن قیام کنند. نه تنها برای نجات فلسطین، بلکه سایر مسلمان‌ها و ملت‌های مبارز و انقلابی، پس باید برای نجات فلسطین همه مسلمانان و انسانهای آزادیخواه قیام کنند:

"همه مردم دنیا برای نجات بیت‌المقدس و حامیان آن، نگهبانان آن که فلسطینی‌ها باشند، باید قیام کنند. همه با یک صدا، با یک فریاد، با یک مشت این مرکز توحید را که تبدیل به مرکز شرک و خودخواهی شده است پاک کنند." (۲)

سپس حضرت آیت‌اله طالقانی در جای دیگری ضمن اشاره به اتحاد مسلمانان، پیشنهاد تشکیل ارتشی مردمی نموده و تنها راه رهائی بیت المقدس و فلسطین از چنگال صهیونیسم را اتحاد و وحدت مسلمانان جهان دانسته و همچنین دفاع از بیت‌المقدس را دفاع از حریم خدا و در نتیجه امری واجب تلقی کرده و می‌گوید:

(۱) از آزادی تا شهادت، صفحه ۲۹۰

(۲) ایضا، صفحه ۲۸۵

"ملت‌های مسلمان باید خودشان راه بیفتند، همه مجهز، همه آماده، روزی برسد که همه حرکت کنیم به طرف بیت‌المقدس، ما هم باید آماده باشیم، از دبستان، دبیرستان، دانشگاه، باید بچه‌های خردسال ما، زن‌های ما، مردهای ما، پیر و جوان ما آماده دفاع باشیم. دفاع از بیت‌المقدس. دفاع از بیت‌المقدس دفاع از حریم خداست و بر همه واجب است، بر زن و مرد و کوچک و بزرگ ما واجب است. من پیشنهاد می‌کنم در مدارس ما، در روستاهای ما، در کارخانه‌های ما، روزهای معینی، اشخاص وارد، بچه‌ها، اطفال و جوان‌ها و زن‌های ما را تمرین نظامی بدهند. و در تمام کشورهای اسلامی." (۱)

ایشان در جای دیگری نیز، ضمن اینکه از مسلمانان می‌خواهد تا همگی خود را عضو یک پیکر، یک خانواده، بدانند می‌گوید:

"باید مسلمان‌های دنیا بدانند همه عضو یک پیکرند و گمان نکنند با بی‌تفاوتی و بدون توجه به درد مسلمان‌های دیگر می‌توانند خود را حفظ کنند." (۲)

آری اگر همه مسلمانان یکی شوند و به دستورات آسمانی دین خود عمل نمایند، آنگاه زمانی فرا خواهد رسید که هم امپریالیسم نابود خواهد شد و هم صهیونیسم از بین خواهد رفت و در عوض، سرزمین فلسطین به صاحب اصلی آن یعنی عرب فلسطینی تعلق خواهد گرفت، عرب فلسطینی پیرو هر مذهب و مسلک و مرام. و این پیروزی‌ها همه در سایه اتحاد بدست خواهد آمد، اتحادی که آزادی راءس اسلام یعنی فلسطین را به دنبال خواهد داشت. و اتحادی که هر عضو آن عبارت از: بچه، جوان، پیر، زن و مرد خواهد بود که هر کدام بر اثر آشنائی با اعمال نظامی خود یک رزمنده خواهد گشت.

(۱) از آزادی تا شهادت، صفحه ۲۸۷ - ۲۸۶

(۲) ایضا، "، صفحه ۲۸۴

فشرده‌ای از سخنان حضرت آیت‌اله طالقانی راجع به فلسطین
(در دانشگاه تهران به تاریخ ۲۵ اردیبهشت ۱۳۵۸) (۱)

بسم الله الرحمن الرحيم

"اللهم انی اعوذبک من کل شیطان رجیم و من کل متکبر لایو من
بیوم الحساب."

بسم الله الرحمن الرحيم

۲۰

سبحان الذی اسرى بعبدہ لیلاً من المسجد الحرام الی المسجد الاقصی
الذی بارکنا حوله لنریه من آیاتنا انه هو السميع البصیر (۲)

من پیش از اینکه در کسوت یک سیاستمدار متعارف و معمول باشم، یک
شاگرد کوچک مکتب قرآن و معلم قرآنم و در اینگونه اجتماعات سعی دارم
همان روش و برنامه‌ای را که همیشه دارم فراموش نکنم، چون مهمترین
قدرتی که ملت مسلمان ایران و همهٔ مسلمانهای دنیا را می‌تواند علیه ظلم
و استبداد و استکبار و استعمار برانگیزد، در حیطهٔ وحی قرآن است. ممکن
است کسانی باشند که نسبت به طرح مسائل و آیات قرآن بی‌تفاوت باشند،
یا بعضی‌ها هم برمند.

(۱) انتخاب عناوین متن از ماست.

(۲) سورهٔ اسراء، آیه ۱



دیدار ابو عمار (یاسر عرفات) با « پدر طالقانی »

بیت المقدس و سرزمین فلسطین در قرآن

ان هذا القرآن یهدی للتی هی اقوم ولا یزید الظالمین الا خسارا . (۱)
باران که در لطافت طبعش خلاف نیست

در باغ لاله روید و در شوره زار ، خس
آیه ای که قرائت شد اولین آیه سوره بنی اسرائیل است . این مسئله
مهم و تاریخی (یعنی مسئله فلسطین) که باعث شده ما امروز ، همراه
طبقه جوان و نیرومند و انقلابی مان ، در این اجتماع و در این زمان و در
این سرفصل تاریخی ، دور هم گرد آمده ایم ، در پیچ و خمهای تاریخی
گذشته ، قرنهای ، سالها ، در بستر تاریخ پیش رفته تا امروز به این صورت
نمودار شده و از این جهت ما در یکی از نقاط درگیری های تاریخی این
سرزمین واقع شده ایم .

در سوره اسراء (بنی اسرائیل) ، به همان مسئله توجه کرده که سیر رمزی
و معراجی خاتم انبیاء محمد مصطفی (ص) را ، همین گذشته تاریخ و تنبیه
و درس تاریخ گذشته بیت المقدس ، مسجد اقصی و سرزمین فلسطینی بیان
کرده :

"سبحان الذی اسرى بعبده لیلا من المسجد الحرام الی المسجد الاقصی" ،
منزه است آن خدائی که "سیر" داد ، پیغمبرش را ، از یک مرکز توحید و
سجده و رکوع در برابر خدا (یک مرکز آزادی بشر از بند عبودیت غیرخدا) ،
به مسجد دیگر (مسجد اقصی) ، "لنریه من اياتنا" تا این پیامبر از آیاتی
که در این مسجد اقصی است درس بیاموزد و آن آیات را از نزدیک به او
ارائه دهد . وحی انبیاء ، هم وحی آسمان است و هم وحی زمین . ترکیب آن
دو وحی ، دعوت و رسالت انبیاء را پیش می برد . یعنی راهنمایی هایی که
از طریق وحی خدائی به آنها می رسد از یک طرف و تجربیات تاریخی که به

آنها داده می‌شود (مانند آیاتی که در پیرامون مسجد اقصی است)، از طرف دیگر، "انه هو السميع البصير": چون خدا می‌خواهد چشم و گوش پیامبرش را به همه مسائل باز و شنوا کند، تا امتی چشم و گوش باز و هوشیار تشکیل دهد.

قرآن به ما درس تاریخ و فلسفه تاریخ می‌دهد:

"وقضينا الي بني اسرائيل لتفسدن في الارض مرتين و لتعلن علوا كبيرا" فاذا جاء و عداوليها بعثنا عليكم عبادنا اولي باس شديد فجاسوا خلال الديار و كان وعدا مفعولا" (۱)

"ما در سرنوشت تاریخ، برای بنی اسرائیل این مطلب را تثبیت کردیم که بارها (مرتین - مره بعد مره، مرتین به نظر من مثل لَبِیک یعنی مره بعد مره)، یعنی در مسیر تاریخ، شما (بنی اسرائیل) در زمین افساد می‌کنید (لتفسدن فی الارض مرتین)، سرکشی می‌کنید، به مردم دیگر تجاوز و عدوان می‌کنید، همسایگان خود را سرکوب می‌کنید. در این خلال، این بارها، در مسیر تاریخ، بنی اسرائیل است، بعد از آنکه با هم جمع شدند و سرود و ورد برتری نژادی و قومی و برتری شخصیت خود را به گوش یکدیگر خواندند، و خود را صاحب زمین و مالک زمین، و خدا را، خدای بنی - اسرائیل خواندند، شروع می‌کنند به افساد در زمین و دلیل کردن مردم دیگر و منکوب کردن آنها.

پس از هر مرتبه که علو و فساد آنها بالا رفت و لتعلن علوا کبیرا "مادر میان بندگان خود کسانی را برمی‌انگیزیم که صاحب قدرت شکست ناپذیر باشند (بعثنا علیکم عبادنا اولی باس شدید)، صاحب قدرت شدید، اینها برمی‌گردند و بنی اسرائیل را منکوب می‌کنند و وارث دیاری می‌شوند که آنها به غصب و به تجاوز، آن دیار را تحت تصرف خود آورده‌اند. این قدرتمندان صاحب باس شدید، در گوشه و کنار شهرها و خانه‌ها رخنه

کنند، نفوذ نمایند "فجا سواخلال الدیار" این وعده‌ای است خدائی، وعده‌ایست شدنی (وکان وعدا مفعولا) :

مردم فلسطین و مسلمانهای دنیا و کسانی که چشم به این قبله اول اسلام و این مهد توحید و الهام بخش راه و روش و منش و منطق انبیاء دارند، باید با همین وعده‌های قرآن امیدوار باشند، وعده‌هایی که شدنی است.

فلسطینیان آواره

باید به مسجد الاقصی بیندیشیم که مورد تقدس و اعتقاد همهٔ مسلمین است، و به مردم فلسطین بیندیشیم، چون ملیتی حق برده، حق کشته، تجاوز شده و آواره هستند و پاسداران مسجد الاقصی بودند. در سال ۲۸ اولین سفری که مؤتمر (کنفرانس) فلسطینی رفت، از نزدیک به آوارگان فلسطینی می‌اندیشیدیم. از کشورهای اسلامی و عربی به کنفرانس آمده بودند، ولی بعضی فقط حماسه می‌خواندند و تظاهر به طرفداری از این مظلومین و مسجد غصب شده داشتند. از نزدیک، افسردگی، ظلم، حق - خوردگی مردم فلسطین را می‌دیدیم، که چگونه اینها مورد رعایت و مورد انفاق سازمان ملل و همان دنیائی و همان کشورهای واقع شده‌اند که اینها را آواره کردند. اول از سرزمینشان راندند و بعد به صورت یک مشت فقیر و بیچاره به اینها کمک می‌کردند، چه بسادر مسیر بیت المقدس و خلیل - الرحمن می‌دیدم که عده‌ای از این آوارگان در یک سوی سیمهای خاردار بودند و بعضی در سوی دیگر یک عده اقوام و خویشان در آن سو بودند و کسانی در این سو، به طوری که از دور با دست و حرکت می‌توانستند با هم اشاره کنند. زیر نفوذ و قدرت پاسداران صهیونیسم، این وضع را دیدیم.

فلسطینیان انقلابگر

ولی همین مردم ، همین مردمی که آواره و جیره خوار شدند و در چهره‌های گرفته ، چهره‌های مات‌زده ، چهره‌های شکست‌خورده داشتند ، طولی نکشید همین مردمی که در فلسطین قبل از غصب ، یک عده مردم کشاورز عادی سربزیر بودند ، بعد از غصب ، مردم مرتزقه‌ای شدند ، مطابق همین وعده قرآن (بعثنا علیکم عبادالنا اولی باسا شدید) ، این مرد و زن فلسطینی همین تحقیر شده‌ها ، همین جیره‌خواران دیگران ، تبدیل شدند و تغییر یافتند به مردان و زنان مبارز و پرخاشگر و پرحماسه‌ای که شرق میانه را از حماسه خود پرکردند و به تمام دنیا حماسه مظلومین را الهام بخشیدند و در سرزمین مغصوب و پیرامون آن و در هر شهر و دیار عربی و اسلامی رخنه کردند ، جای و سنگر گرفتند "و اذا جاء و عداولیهما بعثنا علیکم عبادلنا اولی باسا شدید فجا سواخلال الدیار" ، امیدواریم در پی رهبری آخرین آیه ، روزی را ببینیم که مردم فلسطین ، با همین قهر انقلابی نه الطاف قدرتمندان فریبکار ، سرزمین خود را آزاد کنند ، و بیت‌المقدس و مسجداقصی و محل معراج پیغمبر اسلام را به صاحبانش برگردانند . صاحبان بیت‌المقدس ، نماینده‌های همه ملت‌های توحیدی هستند ، همانطوری که بودند . یهود و نصارا و مسلمانها ، همه بیت‌المقدس را از خود می‌دانستند و می‌دانند ، نه صهیونیسم که می‌گوید بیت‌المقدس فقط از آن ما است .

وعده دیگر قرآن خطاب به بنی اسرائیل

وعده دیگر قرآن بعد از چند آیه خطاب به بنی اسرائیل است :
 "ان احسنتم احسنتم لانفسکم و ان اساتم فلها ، شما مغرور نباشید به اینکه اولاد انبیاء هستید ، یا خیال نکنید نژاد برتر هستید ، دنیا ، دنیای

عمل است. اگر در دنیا نیکی کردید، همه جا، جا دارید، معزز هستید، و اگر بدی کردید، به حال خود بدی کردید. وقتی که وعده خدا برسد: (فاذا جاء وعد الاخره ليسوء اوجوهكم) چهره‌های صهیونیستهای جلاد و تروریست مانند بگین، سیاه خواهد شد، "ولید خلوالمسجد کما د خلوه اول مره": داخل مسجد خواهند شد، همانطور که بارها در زمان فاتحین اسلام و دیگر خداپرستان، وارد مسجد شدند و ریشه فساد را کردند. این خلاصه‌ای است از درس قرآن درباره این حرکت طاغوتی بنی - اسرائیل.

همه مردم آزاده دنیا به حقانیت مردم فلسطین آگاهند

اکنون که ما اجتماعی برپا کرده‌ایم، می‌بینیم از ابتدای غصب تاحال، نهضت فلسطین مراحل را گذرانده، فریکارها، دروغگوها، پشت هم - اندازه‌ها، سعی کردند یک ملت ظالم را مظلوم بنمایانند و یک ملت مظلوم را ظالم، همانهایی که امروز مانند جغد بالای لاشه مزدوران استعماری خود نوحه سر می‌دهند و برای غاصبین حقوق مردم ایران که اعدام شده‌اند، سرو صدا راه می‌اندازند، همانهایی که در جنگ بین‌المللی اخیر می‌گفتند برای آزادی بشر و برای سرکوب کردن نژادپرستی آلمان و ایتالیا می - جنگیم طولی نکشید که همین منادیان دروغگوی فریکار آزادی، چه بر سر یک ملت مظلوم حق برده، آوردند.

چگونه خانه‌های اینها را گروه گروه خراب کردند، اطفال اینها را در مقابل مادرها و پدرها کشتند، شکمهای زنهای حامله را دریدند، شهرکهایی را مانند "دیراسین" با جمعیتش کشتند و ویران کردند. همینها آن روز ندای آزادی سر می‌دادند که می‌خواهند ملت‌ها را از قید بندگی و عبودیت آزاد کنند و در مقابل نژادپرستی قیام کرده‌اند، امروز هم برای باقی - ماندگان رژیمشان در ایران ناله سر می‌دهند. اینها همانها هستند! مدتها

تبلیغ کردند که فلسطینی‌ها چنین و چنانند، مردمی هستند که زمین بنی‌اسرائیل را غصب کرده‌اند!! دورهٔ تبلیغات گذشت و همه مردم آزادهٔ دنیا به حق فلسطین و به حقانیت مردم فلسطین آگاه شدند، و امروز دیگر کسی که چشم و گوش دارد در شرق و غرب دنیا نیست که فریب این تبلیغات دروغ را بخورد.

سادات در بند امپریالیسم و صهیونیسم

امروز دیگر بعد از آنی که این همه فریبکاری‌ها، تبلیغات و همه این دسیسه‌ها آشکار شده، به فریب دیگری پرداخته‌اند و به اسم صلح خاورمیانه دست به طرف مصر دراز کردند، و بیچاره سادات را به بند خود کشیدند! که پیش ازاینکه به او دشنام بدهیم باید به حالش و به وضعی که برای او پیش آمده متاثر باشیم.

ملت مصر و سرزمین مصر که در این قرن اخیر، مرکز حرکت و انقلاب علیه متجاوزین و برای آزاد کردن ملت‌های عرب و ملل اسلامی بوده، امروز خودش به بند و قیداستعمار دچار شده و منزوی و تحقیر شده، و امروز همه ملل اسلامی و همه ملل عرب گفتند کشوری است که او را در انزوا قرار دادند. البته ملت مصر را ما می‌شناسیم، ملتی هوشیار، دانشمند، متفکر، ولی رژیم سادات این ملت را تحقیر کرد و ما امیدواریم که خود ملت مصر به حساب این جانشین فراعنه مصر برسند، همانطوری که ملت ایران به حساب فرعون خود رسیدند، و این فرعونک را به سوی آن فرعونک راندند و آن فرعونک هم دیگر آنجا، در کنار فرعون تاریخ، جانداشت و به جای دیگر آواره شد. ما اعلام می‌کنیم که همین سرنوشت برای این فرعون که خودش را مسلمان می‌داند ولی عملش، عمل فرعون‌نوی است، یعنی حق مردم مصر و ملل عرب و ملت فلسطین را نادیده می‌گیرد، همین کسی که به عهده‌های خود وفا نکرد (بعد از فوت عبدالناصر تعهد کرد راه او را ادامه

دهد ولی در اول خط مسیر، راهش را منحرف کرد)، همان کسی که می‌بایست مصر را جزء کشورهای غیرمتعهد قرار بدهد، رفت پست‌ترین تعهد را در مقابل آمریکا و اسرائیل انجام داد و دست در دست آنها گذاشت.

سی سال از مبارزه الفتح و مردم فلسطین می‌گذرد ما امروز مسائل فلسطین را مطرح می‌کنیم

ما ملت ایران، این ملتی که انقلاب کرد، برپا خاست، با تمام قوا برای دستگیری هر ملت مظلوم، بخصوص ملت فلسطین و هر مستضعفی در هر کجای دنیا، تا آنقدری که امکان داریم، دست‌کمک دراز می‌کنیم، چون قیام ما برای نجات مستضعفین است.

این خونی که در خیابانهای ما و در هر گوشه و در هر شهر و دهکده ما جاری شد و خونهایی که در فلسطین جاری شد، در یک بستر حرکت می‌کنند، در بستر انقلاب، در بستر توحید، نجات خلق‌ها، و ما با این قدرتی که از نزدیک از مردم فلسطین و سازمان الفتح دیدیم که اینطور کفن‌ها را به دوش گرفتند، جان‌ها را به کف گذاشتند و اسلحه بدست گرفتند، امیدواریم اینها نه تنها نجات‌دهنده خود باشند، بلکه با این قدرت و نیرو، با این "باءس شدید" می‌توانند نجات‌دهنده همه مستضعفین ملل عربی که هنوز در استضعاف بسر می‌برند، باشند.

سی سال است در مبارزه با این قوم می‌گذرد، سی سال است که ملت فلسطین در زیر سخت‌ترین ضربات تبلیغاتی و جنگی بسر می‌برد و امروز سرافراز بیرون می‌آید، و امروز می‌بینیم ما که در ایران جرات نداشتیم یک جلسه‌ای برای هماهنگی و هم‌صدائی و هم ندائی با صدای مردم فلسطین و نماینده فلسطین، با هم برای پیشبرد هدف‌های مشترک بلند می‌کنیم، ما که در دوره استضعاف جرات نداشتیم درباره فلسطین، کلمه‌ای بگوئیم، امروز مسائل فلسطین را، در مرکز علمی‌مان، در دانشگاهمان، مطرح می‌—

کنیم .

امیدواریم جوان‌های ما بیشتر مسائل فلسطین را بشناسند ، که یک درس بزرگ تاریخی قرن ما است ، و بیشتر روابطشان را تحکیم بکنند و هماهنگی خودشان را بنمایانند تا بتوانیم این انقلابی را که در دو نقطه حساس دنیا (ایران و منطقه فلسطین) پدید آمده ، به یاری حق و به همت و هم رزمی همه ملت‌ها ، انشاء الله به پایان برسانیم .

درود بر همه شهدای ایران و فلسطین

درود به همه شهدائی که خونشان در کنار و گوشه و تپه و ماهور اطراف فلسطین و در سرزمین فلسطین ریخته شد .

درود بر همه خون‌هایی که از جوان‌های ما و جوانان فلسطین آمیخته شده .

پیروز است نهضت ایران و فلسطین

پیروز است نهضت‌های همه مردم مستضعف دنیا . (۱)

پیام تسلیت آیت‌الله طالقانی به برادر یاسر عرفات

(بمناسبت فاجعه غم‌انگیز شهادت برادر مبارز زهیر محسن)

مزدوران جنایتکار وابسته به صهیونیسم در هر گوشه‌ای از جهان خفاش - گونه ، هر لحظه به شکار ، و در کمین برادر مبارز فلسطینی نشسته‌اند ، تا زمین را از خون پاکشان رنگین کنند . همچنانکه در اول مرداد ماه سال ۱۳۵۸ ، در اروپا برادر مبارز و مجاهد زهیر محسن یکی دیگر از اعضای کمیته مرکزی سازمان آزادیبخش فلسطین را به شهادت رساندند .

پس از شهادت برادر ، زهیر محسن ، حضرت آیت‌الله طالقانی ، بلافاصله با ابراز همدردی نسبت به این جنایت عظیم ، پیام تسلیتی

خطاب به برادر ابوعمار ارسال داشت . متن پیام بدین شرح است :

"برادر مجاهد ابوعمار :

شهادت برادر مجاهد زهیر محسن برادران و خواهران را دچار اندوه فراوان نمود . صهیونیست غدار نمی‌خواهد بفهمد که از خون هر شهید ، صدها شهید برمی‌خیزد و اینگونه غدرها دلیل ضعف آنهاست نه قدرت .

مردم مسلمان ایران می‌دانند که امپریالیسم و صهیونیسم بین‌المللی و دست‌نشانده‌گان آنها ساله‌است .

که بر علیه انقلاب مردم فلسطین هم‌پیمان شده‌اند ، چون می‌دانند انقلاب فلسطین چهره‌ای فلسطینی و قلبی عربی دارد .

خائنین و متجاوزین خونخوار با از دست دادن سرسپردگان خود در منطقه سخت‌به‌تکاپو افتاده و برای نیل به اهداف شیطانی خود هر روز دست به اعمال جنایتکارانه‌ای می‌زنند ، همان‌طور که در جنوب لبنان شاهد آن هستیم و می‌دانیم که با این جنایات گور خود را می‌کنند .

برادر ابوعمار ، مردم مستضعف و مبارز ایران همدردی و همبستگی خود را بارها اعلام نموده و معتقد است که ملت فلسطین با برخورداری از تجربیات - مقاومت و هوشیاری انقلابی سالها مبارزه خویش ، سرانجام متجاوزین صهیونیسم ، سرسپردگان غرب و حامی آنان امپریالیسم آمریکا را به زانو درخواهد آورد . " (۱)



برادر هانی الحسن عضو مرکزیت فتح

آیت الله طالقانی و برادر هانی الحسن
 " من به عنوان یک فلسطینی ایشان (طالقانی) را بدلیل آزاد فکر
 کردن و یک متفکر آزاده تحسین می‌کنم و دوست دارم ". " هانی الحسن " (۱)

فلسطین و طالقانی

انقلاب فلسطین، انقلابی مردمی و حق طلبانه و قدرشناسانه (نسبت به دوستان و حامیان) می باشد. و درست به همین دلایل رهبران، رزمندگان و توده های فلسطینی همواره از پشتیبانان جهانی انقلاب آزادیبخش فلسطین سپاسگزاری و قدرشناسی نموده اند.

همانگونه که با برگزاری مراسم چهلیم معلم شهید انقلاب دکترشریعتی در بیروت، مراتب همدردی و سپاسگزاری خود را نشان دادند.

حضور رهبران مقاومت فلسطینی در آن مراسم و حمایت بی دریغ اتحادیه ها و انجمن های فلسطینی از مواضع معلم شهید دکترشریعتی، خود نشان دهنده خلوص و حسن نیت آنان نسبت به همه ی مبارزین ضدامپریالیسم و ضدصهیونیسم است.

پس از سال ۱۳۵۶ در بیروت، در سال ۱۳۵۸ در ایران نیز شاهد قدرشناسی آنان نسبت به دوست و حامی دیگر خود طالقانی بودیم. زمانی که آیت اله طالقانی رحلت نمود، از سوی اتحادیه ها و انجمن های فلسطینی در گوشه و کنار جهان پیام ها و تلگرام های تسلیتی به ایران ارسال شد، که در همه آن بیانییه ها و پیام ها از زحمات حضرت آیت اله طالقانی در راه شناساندن حقانیت انقلاب آزادیبخش فلسطین، سپاسگزاری شده بود.

چنانکه در پیام سازمان آزادیبخش فلسطین آمده بود که :

"طالبانی ایران را پایگاهی برای انقلاب فلسطین ساخته و با شعار "ما همگی برای فلسطین کار می‌کنیم" آن را به یک کشور مبارز تبدیل ساخت . خلق فلسطین زمانی طالبانی را از دست داد که در مبارزه‌اش علیه صهیونیسم دشمن ، بوی نیاز مبرم داشت ." (۱)

و برآستی نیز چنین بود که گفته شد . زیرا طالبانی به مثابه یک اسلام‌شناس و یک سیاستمدار حقیقی و یک انسان آزاده می‌توانست پشتیبانی و حمایت بی‌دریغ توده‌های مسلمان در هر گوشه جهان را نسبت به انقلاب فلسطین هدایت نماید . و چنانکه در ایران شاهد بودیم که چه طوفانی علیه صهیونیسم برانگیخت و آن را به یک کشور مبارز تبدیل ساخت .

همچنین در یکی از مراسم یادبود و بزرگداشت آیت‌اله طالقانی ، یکی از رهبران فلسطینی چنین گفت :

"آیت اله‌طالقانی برای اسلام و اعتلای آن در سراسر جهان و بخصوص در فلسطین اشغالی و بیت‌المقدس زندگی کرد و مرد، و ملت فلسطین هرگز خاطره جاویدان او را از یاد نخواهد برد و ما ایمان داریم که پرتو خیره‌کننده این جانبازان و سربازان بزرگ اسلام در آینده نزدیک سرتاسر جهان عرب و اسلام را روشن خواهد کرد." (۱)

آری برآستی چنین است و نه تنها ملت فلسطین، بلکه تمامی مستضعفین و محرومین جهان او را از یاد نخواهند برد. زیرا که او حامی تمامی خلق‌های محروم و دربند جهان بود.

علاوه بر پیام‌های شخصیت‌ها و رهبران فلسطینی، گروه‌های فلسطینی دیگری نیز پیام‌ها و تسلیت‌هایی به ایران مخابره کردند که به ذکر نام چند جبهه و اتحادیه می‌پردازیم:

"اتحادیه دانشجویان فلسطینی کانادا

اتحادیه فلسطینی‌های شهر اتاوا

جبههٔ دموکراتیک برای آزادی فلسطین (به رهبری نایف حواتمه)

جبههٔ خلق برای آزادی فلسطین (به رهبری ژرژ حبش)

جبههٔ مبارزه توده‌ای فلسطین

انجمن دانشجویان فلسطینی فارغ‌التحصیل مسکو (دکتر سمیح و ابو عون)

دایرهٔ امور مردم سازمان آزادیبخش فلسطین" (۲)

و گروه‌ها و سازمان‌های دیگری نیز پیام‌ها و بیانیه‌هایی را در رابطه با وفات آیت‌اله‌طالقانی منتشر و پخش نمودند، که همگی نشان‌دهندهٔ سپاسگزاری و قدرشناسی آنان نسبت به مواضع و مبارزات آیت‌اله‌طالقانی علیه صهیونیسم دست‌نشاندهٔ امپریالیسم می‌باشد.

(۱) مجله سروش شماره ۲۵، صفحه ۸۰

(۲) مجله سروش شماره ۲۵، صفحه ۸۰

..

.

-

.

.

.

.

.

.

پیام آیت الله طالقانی
در مراسم سی و یکمین سالروز اشغال فلسطین

ملت ایران ، ملتی که انقلاب کرد و برپا خاست و به پیروزی رسید برای دستگیری هر ملت مظلومی بخصوص فلسطین و هر ملت مظلومی در هر جای دنیا تا آنجا که امکان دارد دست خود را دراز میکند . ما دست آنان را میگیریم چون هدف دستگیری از مستضعفین است . اول مستضعفین ایران و سپس عرب و سایر کشورهای مسلمان و غیر مسلمان .

مجله سروش شماره ۲۱

شماره

نام کتاب طالقانی و فلسطین
گردآوری علی فیاضی
چاپ چاپخانه مهر
تیراژ ۶۰۰۰ جلد
ناشر نشر مهدی
چاپ اول شهرپور ۶۱

بهاء ۶۰ ریال